

نگاهی به مطالبات مقام معظم رهبری از پلیس ایران اسلامی همراه با دیدگاه

آسیب شناسانه

حسن رضایرفیعی^۱

چکیده

جمهوری اسلامی ایران حکومتی مردمی و مبتنی بر اصول و قواعد دین مبین اسلام است. بنابراین تمام ارکان، نهادها و سازمان های حکومتی و حتی غیر حکومتی آن باید بر پایه اصول دینی شکل گرفته ضوابط حاکم بر آنها نیز باید اسلامی باشد. نیروی انتظامی یکپارچه سازمانی است که بر اساس قانون ناجا (مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۷). عملاً در ۱۲ فروردین ۱۳۷۰ و همزمان با سالگرد تأسیس جمهوری اسلامی تشکیل شد. بنابراین می توان نیروی انتظامی را سازمانی نوین و پاگرفته در دوران رهبری حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای (مدّ ظلّه العالی) دانست. با توجه به اینکه تمام سازمان ها و تشکیلات حکومتی مشروعیت خود را از ولی فقیه می گیرند، باید توقعات و مطالبات ایشان را برآورده کنند. نگارنده در این مقاله به دنبال آن است تا با بررسی متن سخنرانی های مقام معظم رهبری از سال ۱۳۳۸ تا ۱۳۸۸، سرفصل مطالبات ایشان از پلیس را استخراج کند و نیم نگاهی نیز به دیدگاه های آسیب شناسانه معظم له در این زمینه داشته باشد. بنابراین سؤال اصلی تحقیق این است که «مطالبات مقام معظم رهبری از نیروی انتظامی چیست و ایشان چه آسیب هایی را مخدوش کننده چهره پلیس می دانند؟» روش تحقیق در این مقاله، توصیفی و ابزار گرد آوری اطلاعات، کتابخانه ای و روش تجزیه و تحلیل یافته ها، نوعی تحلیل محتواست. رویکرد کلی مقاله نیز تربیتی است تا پس از تجزیه و تحلیل بتوان برای برآورده کردن توقعات ایشان از نیروی انتظامی، برنامه ریزی آموزشی و تربیتی کرد.

کلید واژه ها: پلیس اسلامی، مطالبات رهبری، آسیب شناسی، جمهوری اسلامی، ایران.

(۱). عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین (HRR1340@chmail.ir).



مقدمه

زمانی که سخن از نیروی انتظامی ایران اسلامی در میان است، باید به پلیس ایران از دیدگاه اسلام نگریسته شود؛ زیرا این نهاد برای اعمال دو اصل دینی امر به معروف و نهی از منکر از طریق حاکمیت دولت اسلامی شکل گرفته است. حکومت جمهوری اسلامی یعنی استقرار حاکمیت بر اساس دو رکن مردم و دین، پدیده‌ای نو در عرصه تاریخ سیاسی دنیاست. در پیشینه تاریخی ایران، حکومت‌هایی مانند دیلمیان و صفویان پدید آمده‌اند که ادعای دینداری و اجرای قوانین بر مبنای دین مد نظر اهل بیت را داشته‌اند. با وجود این، در عمل چنین هدفی تحقق نیافت؛ زیرا پرچمداران این حکومت‌ها، آشنایی چندانی با مبانی دینی نداشتند و ادعای دینداری دولت‌مردان چنین حکومت‌هایی، روبنایی و دارای جنبه احساسی و حتی شائبه سیاسی بود. تنها حکومتی که در تاریخ ایران، جلوداران آن عمدتاً روحانیت شیعه با رهبری عالی مرجعیت دینی بود، جمهوری اسلامی است. البته پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری معمار بزرگ این انقلاب یعنی حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی، اندیشمندان مسلمانی همچون: آیت‌الله میرزا محمد حسین نایینی، ملا احمد و پسرش ملا محمد مهدی نراقی در آثار خود دیدگاه‌هایشان را در باره ولایت فقیه بیان کردند، ولی هیچ کدام از آنها اقدامی عملی در این زمینه انجام ندادند. همان گونه که اشاره شد، تنها فقیه و مرجعی که با برنامه ریزی منظم، در صدد عملی کردن دیدگاه خود در زمینه حکومت ولی فقیه بر آمد و در این راه جدی عمل کرد، حضرت امام خمینی (ره) بود. ایشان سال‌ها پیش از پیروزی انقلاب، ضمن ارائه دروس خارج فقه خود در حوزه علمیه نجف، طرحی نو از حکومت اسلامی در انداخت و چارچوب حکومت ولایت فقیه را تبیین و با اقدامی پیگیر و جهاد گونه، آن را عملیاتی کرد. بر اساس این، نگارنده در صدد تبیین توقعات مقام معظم رهبری از نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و عوامل مخدوش کننده چهره پلیس از دیدگاه ایشان بر آمد. دلیل این کار آن است که پلیس یکپارچه یا نیروی انتظامی واحد در دوران مسئولیت و رهبری ایشان شکل گرفت و معظم له در دیدارها و سخنرانی‌های گوناگون به طرح انتظارات خود و مردم از پلیس، اشاره‌های شفاف و مبسوطی کرده‌اند.



یافته های تحقیق

برابر مواد ۱ و ۲ قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۷، پلیس یکپارچه جمهوری اسلامی از ادغام سه سازمان انتظامی پیش از آن یعنی ژاندارمری، شهربانی و کمیته انقلاب اسلامی و کارکنان پلیس قضایی در قوه قضاییه تشکیل شد. این نیرو یکی از اعضای خانواده نیروهای مسلح و دارای ساختار و تجهیزات نظامی است. ترفیعات و امتیازات متعلق به کارکنان نیروی انتظامی مشابه ترفیعات و امتیازات کارکنان ارتش و از نظر شکلی مشابه درجات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. با وجود این، نیروی انتظامی سازمانی کشوری و زیر مجموعه وزارت کشور برای برقراری نظم و امنیت داخلی است. مأموریت های اصلی این نیرو برابر ماده ۳ همان قانون عبارتند از:

۱- برقراری نظم و امنیت؛

۲- تأمین آسایش عمومی و فردی آحاد مردم؛

۳- نگهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در چارچوب قانون و در قلمرو کشور جمهوری اسلامی ایران.

همان گونه که اشاره شد، یکی از ارکان مورد توجه در حکومت اسلامی، جمهور یا توده مردم است که اجرای احکام اسلام موجب سعادت‌مندی دنیوی و اخروی آنها می‌شود. بنابراین، نیروی انتظامی یکی از سازمان‌های حکومتی است که باید در خدمت مردم باشد. در این مبحث دیدگاه‌ها یا انتظارات مقام رهبری از نیروی انتظامی به طور خلاصه مورد بحث قرار می‌گیرد. به قول اهل منطق و اصول، منطوق یا نقطه مقابل این ویژگی‌ها و توقعات، آسیب‌هایی است که پلیس جمهوری اسلامی ایران را تهدید می‌کند. نگارنده می‌کوشد این آسیب‌ها را از دیدگاه معظم له استخراج و درباره آن بحث و بررسی کند. مبانی اصلی استخراج دیدگاه‌های مقام معظم رهبری درباره پلیس، مجموعه مطالب مطرح شده در سخنرانی‌های ایشان از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸ است که توسط سازمان عقیدتی-سیاسی ناجا با عنوان «نیروی انتظامی مظهر اقتدار ملی» به چاپ رسیده است. البته به جز کتاب



مزبور، تاکنون مجموعه‌های دیگری از سخنان ایشان به چاپ رسیده است که آنها نیز می‌توانستند مورد رجوع قرار گیرند. همچنین در وبگاه دفتر معظم له، مجموعه آثار نوشتاری و گفتاری ایشان موجود است، ولی نگارنده صرفاً به خاطر کامل و تخصصی بودن کتاب مورد اشاره، آن را مبنای کار خود قرار داد تا هم از تکرر مراجعه به آثار گوناگون پرهیز شود و هم اینکه علاقه‌مندان در مورد نیروی انتظامی به صورت یکجا به گفتارهای ایشان دسترسی داشته باشند. توقعات مقام معظم رهبری از نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به شرح ذیل است:

۱- حفظ امنیت و تلاش برای رفع ناامنی:

مقام معظم رهبری «حفظ امنیت اسلامی در محیط جامعه» را اساسی‌ترین کار نیروی انتظامی و یک امر فرا وظیفه‌ای و فرامأموریتی توصیف می‌کند و چنین وظیفه‌ای را برگرفته از قرآن (أَمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ قَرِيشَ، آیه ۴) و حدیث معصومان (ع) می‌داند. همچنین ایشان امنیت را پیشنیاز و اساس پیشرفت و سازندگی معرفی می‌کنند (جاویدی ۱۳۹۱: ۱۰۰، ۱۹۴ و ۲۷۳). فرمانده معظم کل قوا امنیت را برای همه اعم از تهرانی و مرزنشین یکسان و نیروی انتظامی را نیز متعلق به همه مردم اعم از دارا و ندار می‌داند. به نظر ایشان تنها مجرم است که خارج از چتر عمومی امنیت قرار می‌گیرد (همان منبع: ۷-۱۶۶ و ۱۹۵). معظم له ناامنی را مهم‌ترین مشکل یک کشور، مقدمه‌انکار احکام و ضروریات اسلام و سبب از بین رفتن نیکی و دوری از خیرات توصیف می‌کنند (همان منبع: ۱۶۵ و ۱۷۳ و ۱۷۹).

ایشان رواج مواد مخدر در جامعه را یکی از مصادیق ناامنی می‌دانند و از میان انواع امنیت، برای امنیت اجتماعی و اخلاقی اهمیت ویژه‌ای قایل هستند. مقام معظم رهبری در مورد امنیت اجتماعی می‌فرمایند: «وظیفه نیروی انتظامی، تأمین امنیت اجتماعی است. معنای امنیت اجتماعی این است که مردم در محیط کاری و زندگی خود احساس خوف و تهدید و ناامنی نکنند.» ایشان در جایی دیگر می‌فرمایند: «مقوله امنیت و نظم اجتماعی که بر عهده نیروی انتظامی است، یکی از اساسی‌ترین نیازهای مردم است. گاهی مردم از انواع ناامنی



رنج بیشتری می برند تا حتی از تنگدستی و گرسنگی. این نیروی انتظامی است که از سوی نظام و دولت اسلامی باید فضای زندگی مردم را امن نگهدارد تا مردم احساس امنیت و آرامش کنند؛ بخصوص اگر انگیزه های ایجاد ناامنی هم به طور ویژه احساس بشود که در جامعه ما این هم احساس می شود.»

ایشان تأکید دارند: «مردم باید احساس کنند که چشم بینا و بصیر و دست قدرتمندی مراقب آنهاست؛ چه در مسئله رفت و آمد های شهری، چه در حفظ حریم های خانوادگی، چه در حفظ حریم های کسبی، چه در بقیه چیزهایی که لایه های پنهان تر این مسئله است.» معظم له ضمن اشاره به ناامنی مالی یا همان انواع دزدی خطاب به فرماندهان نیروی انتظامی می فرمایند: «ما ناامنی عرضی و ناموسی هم داریم؛ جلو آن را هم شما باید بگیرید. ناامنی اخلاقی هم داریم؛ در آنجا هم شما باید وارد میدان بشوید.» ایشان کار فرهنگی و ریشه یابی مفسد اخلاقی را وظیفه دستگاه های دولتی و غیر دولتی دیگر، ولی وظیفه برخورد انتظامی را در جاهایی می دانند که این مفسد جلوی چشم قرار می گیرند و موجب ناامنی اخلاقی جامعه می شوند. معظم له در تشریح ناامنی اخلاقی می فرمایند: «ناامنی اخلاقی این است که مردم در محیط جامعه و کوچه و خیابان نتوانند طبق اعتقادات و دین و ایمان خود آسوده و بی دغدغه حرکت کنند و با منازری مواجه شوند که وجدان دینی آنها را آزرده می کند.» وی ضمن اشاره به نگرانی خانواده ها از آلوده شدن جوان هایشان به مظاهر فساد در فضای جامعه، می فرمایند: «شما باید با همه چیزهایی که از نظر اخلاقی ممنوع و خلاف است، مقابله کنید... یعنی بی پرده گناه کردن و قبح گناه را از چشم ها ریختن و فضای عفت و عصمتی را که به طور طبیعی در محیط زندگی مردم مؤمن ما، زن های شریف، مردهای شریف، جوان های شریف، وجود دارد، با تعرض و الواطی و کارهای زشت به هم زدن، این جزء وظایف شماست که با این کارها مقابله کنید.»

ایشان ضمن اشاره به منشأ خارجی ترویج فساد اخلاقی می فرمایند: «این را بدانید دشمنان نظام جمهوری اسلامی یقیناً به این نتیجه رسیده اند یکی از دو وسه راه اصلی برای به زانو



در آوردن ملت ایران، شکستن مرزهای اخلاقی و ترویج مفاسد اخلاقی و بی بندباری اخلاقی در داخل کشور است.» رهبر معظم انقلاب بهترین راه شکستن ایمان افراد را آلودگی به شهوات، به ویژه شهوات جنسی می داند که در همه انسان ها عمومیت دارد. معظم له ترویج مفاسد اخلاقی را سازماندهی شده می داند؛ زیرا بنا به گفته ایشان در یک فاصله چند ساله می بینیم که یک آدم مقدس خوب الهی به یک آدم پلید، آلوده و خبیث تبدیل شده و در وهله اول نمی شود فهمید اتفاقی افتاده است. ایشان هنجار شکنی را هدف نهایی دشمن نمی داند، بلکه آن را به سایش مینای دندان تشبیه می کنند که زمینه نفوذ و فساد کل دندان را فراهم می نماید. فرمانده کل قوا در این زمینه می فرمایند: «وقتی قبح یک نوع منش، یک نوع پوشش و یک نوع رفتار در جامعه ریخت، نفوذ کردن در خانواده ها، در دخترها، در پسرها کار مشکلی نمی شود. شما دارید در واقع از این مینا محافظت می کنید، این سد مستحکم هنجار فرهنگی اسلامی را شما دارید حفظ می کنید و این کار بسیار خوبی است.»

بر مبنای دیدگاه فرمانده معظم کل قوا، «هوشیاری، قاطعیت، سرعت عمل و اقدام، پیگیری خستگی ناپذیر و نگاه یکسان» برای مقابله با ناامنی ضروری است. ایشان ناهوشیاری را اولین مصیبت یک پلیس و بی توجهی به پیگیری را موجب سستی قدم و توقف اقدامات مقابله با ناامنی می داند (همان منبع: ۹۶، ۱۱۹، ۱۰۵-۱۹۵، ۱۳-۲۹۳، ۲۶۹، ۲۸۳، ۲۹۵).

۲- پناهگاه مردم و مظهر عطوفت و محبت و تدبیر بودن:

رهبر معظم انقلاب در فرازی از سخنانشان می فرمایند: «پلیس ... باید پناهگاه مردم باشد.» معظم له فلسفه وجودی پلیس را آسایش مردم، آرامش محیط زندگی آنها و برقراری نظم می داند تا مردم دچار ناراحتی نشوند. ایشان برای پلیس چهره ای دو وجهی قایل اند که هم می تواند مظهر عطوفت و محبت نظام و هم مظهر تدبیر، مدیریت و کاردانی آن باشد. از دیدگاه رهبری یکایک افراد نیروی انتظامی باید مجاهدت کنند تا این نیرو را به سطح پلیس اسلامی کامل که مأمون مردم است، برسانند. به گونه ای که به تعبیر ایشان: «اگر کسی دستی دراز کرد و زبانی باز کرد و چشم غره ای کرد، بگوید می روم به پلیس می گویم. وقتی

هم که به آنجا رفتند، آسوده خاطر برگردند و احساس کنند که کارشان راه افتاده است» (همان منبع: ۷-۶۶ و ۵۱). بدیهی است اگر کسی افتخار کند که تا به حال پایش به کلانتری نرسیده است، نشان آن است که مردم، نیروی انتظامی را مأمن و پناهگاه خود نمی دانند و شاید از دیگران بد اخلاقی و بد رفتاری پلیس را شنیده یا با چشمان خود آن را دیدند. به تعبیر مقام معظم رهبری: «اگر اندک اشتباهی در فهم مأموریت صورت گیرد، ممکن است زحمات این پرسنل از چشم مردم پوشیده بماند. یک حرکت و یک حرف بی جا، یا رفتاری خشونت آمیز ممکن است تلقی نادرستی در ذهن مردم ایجاد کند» (همان منبع: ۱۳۶). با وجود این، ایشان اقتدار، مهربانی، درستی و نرمی را در مأموریت های انتظامی لازم و ملزوم هم می دانند و اقتدار در مقابل قانون شکنان را ضروری می شمارند (همان منبع: ۲۹۲ و ۳۰۱).

۳- ایمان و خداپرستی و حفظ احکام اسلام و حدود الهی:

مقام معظم رهبری بیش از هر چیزی بر ایمان و خدا ترسی، حفظ احکام و حدود الهی توسط نیروی انتظامی تأکید دارد و این انتظار به جایی از پلیسی است که باید در خدمت دولت جمهوری اسلامی باشد. ایشان خطاب به پاسداران یکی از سازمان های انتظامی پیشین یعنی کمیته انقلاب اسلامی که برای بیعت با جانشین امام و رهبری انقلاب به حضور ایشان رسیده بودند، شغل آنها را خطیر می شمرده می فرمایند: «به همین خاطر باید خیلی متدین باشید، با خدا بسیار رابطه داشته باشید، از او کمک بگیرید، نماز را با حال بخوانید، قرآن تلاوت کنید، تقوا داشته باشید، اخلاق و ادب اسلامی را رعایت کنید و در مقابل جلوه های فریبنده دنیا، تسلیم نشوید. من هم مثل شما هستم. همه ما باید تقوای الهی پیشه کنیم.» ایشان ضمن اشاره به فایده مؤمن بودن و زیان سست ایمانی فرماندهان نیروی انتظامی و با تأکید بر حفظ آبروی مردم می فرمایند: «اگر در گذشته در گوشه ای از کشور فرمانده فعال مؤمن و پاکدامنی بود، مردم در آن منطقه از آن نیروی انتظامی زیر فرماندهی آن شخص خوشنود، بلکه به آن علاقه مند بودند. به عکس هر جا فرمانده ای سست ایمان و دارای سایر خصوصیات منفی بود که دیگر لزومی ندارد تصریح بکنیم، در آن منطقه مردم از آن



نیروی انتظامی گله مند بودند» (همان منبع: ۸۵ و ۴۰). به همین خاطر ایشان بر حفظ دین، احساس حضور در پیشگاه الهی و تقویت روح دیانت در نیروهای انتظامی تأکید دارند و وجود عناصر مؤمن را ضامن امنیت مردم و چنین وظیفه تربیتی را وظیفه کارکنان عقیدتی-سیاسی می دانند (همان منبع: ۱۱۱، ۱۰۱، ۱۴۱، ۱۶۲، ۱۸۶).

۴- قدرت، عزت و رحمت:

اگرچه ایشان مکرر به اقتدار نیروی انتظامی اشاره دارند، ولی در یکی از جلسات به تشریح آن پرداخته توقع خود از کارکنان نیروی انتظامی را در دارا بودن سه خصلت «اقتدار، عزت و رحمت و مهربانی» اعلام کردند. از نظر معظم له اقتدار به معنای داشتن صدای کلفت، اسلحه و مشت محکم نیست، بلکه ایشان آن را امری معنوی توصیف می نمایند که هم افراد ناجا و هم مردم حس می کنند که پلیس قدرتمند است و توان برخورد با افراد مخل امنیت را دارد. در واقع اقتدار ضامن برقراری امنیت است. به همین خاطر ایشان نیروی انتظامی را مظهر اقتدار ملی توصیف می کنند. فرمانده معظم کل قوا عزت را در رفتار افراد نیروی انتظامی تبیین و توصیه می کنند که آنها اسیر پول، شهوات، تملق نباشند و پارسایی و پاکدامنی پیشه کنند. رحمت و مهربانی نیز محافظت دلسوزانه از خانه، جاده، امنیت، مرزها و کسب و کار مردم تعریف و تبیین شده است؛ یعنی به همان اندازه که اخلا لگران از پلیس واهمه دارند، به همان میزان مردم مظلوم احساس رحمت و مهربانی کنند (جوادی، ۱۳۹۱: ۱۳۰-۱۲۹، ۸۹، ۱۱۴ و ۱۲۰). آسیب های وارده در این سه خصوصیت را باید در محقق نشدن آنها جست و جو کرد؛ یعنی اگر اخلا لگران احساس امنیت و توده مردم احساس ناامنی کنند، اگر افراد پلیس به رشوه، سودجویی و آلودگی های اخلاقی مبتلا شوند، فاتحه پلیس خوانده شده است. مقام معظم رهبری در جای دیگر علاوه بر اشاره به دیانت و اقتدار، به هوشیاری و هوشمندی پلیس نیز اشاره دارند و همین ویژگی سوم را موجب بصیرت و نگهداری او از آلودگی های مورد اشاره می دانند (همان منبع: ۸۹).

۵- مقبولیت مردمی:

مقام معظم رهبری تأکید دارند: « یکایک شهروندان باید از ته دل به نیروی انتظامی اعتماد و اطمینان داشته باشند؛ به گونه ای که مغازه و خانه هایشان را به امید حراست پلیس ترک کنند، به امید پلیس با امنیت کامل در سرتاسر کشور مسافرت کنند، حتی اگر گفتند دزد، متخلف و مزاحمی وجود دارد، احساس امنیت کنند که نیروی انتظامی هست. ایشان ضمن اشاره به مزاحم های امنیت فردی افراد تأکید دارند: « چون شما در مقابل خطراتی که متوجه اوست، سینه سپر می کنید، لذا او احساس آرامش می کند. این خیلی افتخار است.» ایشان در جای دیگر می فرمایند: « مسئولیت حفظ ارزش هایی که مردم در زندگی اجتماعی خود به آن ارزش ها نهایت احتیاج را دارند؛ یعنی امنیت، آرامش، تأمین محیط کار، تأمین محیط زندگی، تأمین رفت و آمد در جاده ها، این چیز خیلی مهمی است. در چنین مأموریت حساسی، یعنی بر سر صندوق پرارزش اعتماد یا انتظار مردم- چون ارزش صندوق بسیار گران قیمت اعتماد مردم، از صندوق های پر از پول و طلا بیشتر است- مأمور نظام اسلامی قرار گرفته است. ما این گنجینه را به دست این برادر نیروی انتظامی سپرده ایم.» ایشان در ادامه بیانات خود، اعتماد را فرصت و سلب اعتماد مردم را تهدید می دانند و می فرمایند « نوسان این برادر نیروی انتظامی به هر طرف خیر و شر، تعیین کننده است. اگر مؤمن، صادق، شجاع، خوش فکر، بی غرض و بی طمع و پاک دست و پاک دل باشد، رفتار او با این صندوقچه و گنجینه پرارزش یک طور است، اما اگر خدای نکرده در یکی از این هایی که گفتیم، اختلالی وجود داشته باشد، طور دیگر است» (همان منبع: ۱۰۳، ۱۲۰، ۷۲-۷۱، ۲۰۷-۲۰۶). بدیهی است رفتار های نادرستی که موجب سلب اعتماد مردم به نیروی شود، مقبولیت مردمی را با خدشه مواجه و پلیس را بی آبرو می کند.

۶- در نظر گرفتن حساسیت های مردم:

مقام معظم رهبری ضمن بیان حساسیت جامعه اسلامی نسبت به شیوع فساد و ترویج مواد مخدر و امثال آن می فرمایند: « در جامعه ای که معیار و ملاک اسلام است، حساسیت



نیروی انتظامی باید متناسب با آن چیزی باشد که در این جامعه مورد نظر است... حفظ و حراست و عمل بر طبق این حساسیت ها، بدون هیچ ملاحظه ای، به شما که نیروی انتظامی هستید، بر می گردد. این کار سخت و سنگین است، اما کار بسیار موثری است. ایشان در جای دیگر برای مواظبت از کارکنان زیر مجموعه، خطاب به فرماندهان نیروی انتظامی می فرمایند: «چون طرف شما کارخانه و سنگ و خاک و درخت نیست، انسان است. باید مراقب باشید که او صالح باشد. یک موجود انسانی است، عاطفه دارد، عقیده دارد، دلبستگی دارد، احساسات دارد، احیاناً اشتباه دارد، نیت خوب یا بد دارد.» ایشان کار در نیروی انتظامی را به جراحی چشم تشبیه می کنند که بسیار ظریف است و باید مواظب بود که رگ ها، بی حساب زیر چاقوی جراحی نروند. معظم له ضمن اشاره به تفاوت نیروی انتظامی با سایر نیروهای مسلح می فرمایند: «شما در بافت اجتماعی زندگی مردم حضور مستقیم دارید، در خانه مردم، توی خانه مردم، در محل کار مردم، در محل تردد مردم؛ همه جا شما هستید. در شهر هستید و با بدنه اجتماع تماس دائمی دارید. اندک کجی و نارسایی از نیروی انتظامی فوراً منعکس می شود؛ مثل کار آقایان صدا و سیما» (همان منبع: ۱۰۵، ۱۹۰ و ۲۹-۲۲۸).

همان گونه که ملاحظه می شود، فرماندهی کل قوا بی توجهی به انتظارات، توقعات و خواسته های مردم توسط کارکنان ناجا را، با توجه به حضور آنها در تمام شئون مرتبط به زندگی اجتماعی مردم، یکی از آسیب ها و علت های بی اعتباری آنها در جامعه بر می شمارند که نباید از آن غافل بود.

۷- قاطعیت در برخورد با هنجار شکنان:

مقام معظم رهبری قاطعیت کارکنان ناجا در برخورد با هنجار شکنان و قانون گریزان را بر اساس قانون و چیزی که مقررات از آنها طلب می کند، از عوامل محبوبیت نیروی انتظامی بر می شمارند. ایشان در فرصت های بعدی به تشریح ابعاد این قاطعیت می پردازند و برخورد بدون اغماض با متخلفانی که قوانین و مقررات اسلامی را نادیده می گیرند و بنای تخلف دارند، برخورد قاطع با دست اندازان به اموال عمومی و بهره مندان از درآمد های

نامشروع، که موجب تضعیف سرمایه گذاری می شوند و برخورد با عوامل ایجاد ناامنی را از عوامل تقویت نظام مقدس جمهوری اسلامی می شمارند که بخشی از این وظایف به عهده نیروی انتظامی و بخشی به عهده قوه قضاییه است. به تعبیر ایشان: «سرپنجه عدالت باید قوی باشد. دستگاه قضایی باید قوی باشد. نیروی انتظامی در چارچوبی که قانون برای او معین کرده است، باید قوی باشد.» وی اعمال قوت و ایجاد اقتدار از طریق سرپنجه فولادین با افراد بداندیش و بد عمل را لازم و با مردم ضعیف را بد می داند. معظم له هوشیاری، قاطعیت، سرعت اقدام، پیگیری خستگی ناپذیر و نگاه یکسان به عوامل ناامنی را موجب اقتدار و درخشش چون خورشید نظام مقدس اسلامی تعبیر می کنند. توجه تربیتی به اقتدار حکایت از دقت ایشان در اداره امور به عنوان یک رهبر دینی و مدیر چند بعدی دارد. به فرمایش ایشان: «اقتدار با اخلاق، مشت قدرتمند در کنار دل رحیم و مهربان، اعمال قدرت در مقابل قانون شکن و نرمش، مهربانی و رفتار نیک در مقابل مردمی که محتاج امنیت هستند و از قانون شکنی رنج می برند»، می تواند برای انسان های نیکخواه درس عبرت باشد. بنا به گفته معظم له قانون شکنان، معدود و انگشت شمارند، بنابراین:

«برخورد با قانون شکن، برخورد با جنایتکار، برخورد با سلول بیمار این پیکر سالم بایستی با قاطعیت انجام بگیرد.» ایشان ضمن تأکید بر نقش قاطعیت و اقتدار در حفظ و امنیت مرزها، این ویژگی مثبت را در تأمین امنیت شهروندی شهروندان از شر متجاوزان، سرکشان، فتنه گران، آشوبگران، ستون های پنجم و امنیت اخلاقی و فرهنگی مردم و حفظ جوانان از گرایش به فساد اخلاقی و اعتیاد لازم می دانند. با وجود این، هشدار می دهند که مجرمان اصلی ممکن است رو در روی نیروی انتظامی نباشند و در پشت صحنه، صحنه گردان عوامل رده پایین باشند. بنابراین باید از قضیه غافل نبود. ایشان اجرای طرح های امنیت اجتماعی نیروی انتظامی در مبارزه با مفسد اجتماعی، برخورد با عوامل مخل نظم و مقابله با شیوع مواد مخدر را گامی مهم، پر سر و صدا و مبارک توصیف می کنند و ضمن اشاره به حساسیت برخورد همزمان با عوامل در صحنه و پشت صحنه، چنین برخوردی را به



عملکرد همزمان و همراهی دست و پا با مغز تعبیر می نمایند و می فرمایند: «چنین نقش حساسی را نیروی انتظامی داراست. من با این دید به نیروی انتظامی نگاه می کنم.» ایشان برخورد قاطع با چنین مواردی با نگاه علت و معلولی را «شدت عمل خردمندانه و نه چشم بسته» توصیف می کنند (جوادی، ۱۳۹۱: ۱۰۴، ۵۱-۱۴۹، ۱۹۶، ۲۱۴، ۲۳۰-۲، ۲۵۰-۲، ۲۷۵، ۲۹۱، ۳۰۱ و ۳۰۲). بدیهی است کوتاه آمدن در مقابل چنین هنجار شکنان جسور و مزاحمی، آسیب به حساب می آید. این پیر خردمند و فرزانه در خلال توصیه های خود به آسیب شناسی برخورد های غیر خردمندانه و بی حساب و کتاب یا برخورد های افراطی و همچنین تفریط که شامل سستی، کاهلی و بی حالی در جلوگیری از قانون شکنی می شود، توجه دارند. ایشان ملاحظه فرد، ملاحظه جمع، رعایت میل قشر یا گروه خاص و رعایت های خارج از قانون را آفت و آسیب می شمارند. با وجود این، مقام معظم رهبری ضمن مخالفت با بد اخلاقی در اجرای قانون و آسیب زا دانستن آن می فرمایند: «در اجرای قانون، دو گونه می شود عمل کرد: یکی با بد اخلاقی و کج خلقی و عبوس بودن و تکبر و نخوت و امثال اینها؛ یکی هم با خوش اخلاقی و مهربانی، اما با قاطعیت. این نوع دوم باید معمول باشد؛ اعمال قاطعیت به اضافه اخلاق خوب» وی در جای دیگر ضمن برشمردن هوشیاری، قاطعیت، سرعت اقدام و پیگیری خستگی ناپذیر و نگاه یکسان به عوامل ناامنی، در یک آسیب شناسی خردمندانه می فرمایند: «اگر هوشیاری نباشد، دچار غفلت می شوید، ناامنی وارد خانه شما می شود و شما وجود او را احساس نمی کنید. نا هوشیاری، اولین مصیبت است. اگر قاطعیت نداشته باشید، دچار تردید و تزلزل در اقدام می شوید، خود شما عامل ناامنی می شوید؛ چون دستگاهی که مسئول امنیت است، اگر دچار تزلزل شد، بزرگ ترین مشوق به وجود آورندگان ناامنی می شود. پس قاطعیت هم یک امر لازم است و پیگیری. پیگیری این آن بلایی است که من در خیلی جاها می بینم، شروع می کنند، اما تا چند قدم، بعد ناگهان می بینید که قدم ها سست شد، بعد هم توقف، گاهی هم برگشت. اینها عیب است. این جور نمی شود ناامنی را برطرف کرد. باید پیگیری کرد و نگاه یکسان داشت. آن کسی



که موجب ناامنی است، فرق نمی کند هر که می خواهد باشد؛ چه در کسوت یک آشوبگر حرفه ای، اوباش و الوات و اینها باشد، چه در کسوت یک عنصر اتو کشیده سیاسی، چه در کسوت حزب الهی، چه در کسوت یک عنصر عالی رتبه وابسته به فلان دستگاه. اگر عامل ناامنی است، باید دستگاهی که مرتبط به اوست، او را دنبال نکند و تا آخر پیگیری نکند» (همان منبع: ۱۰۵-۱۰۴ و ۱۹۶). آسیب شناسی مقام معظم رهبری در مورد چگونگی برخورد به جا و صحیح با قانون شکنان، کاملاً شفاف، روشن و فرا تحلیل است و نیاز به توضیح و تفسیر ندارد.

۸- امانتداری و پاکدامنی:

مقام معظم رهبری ضمن توصیف نیروی انتظامی به عنوان اسطوره خدمتگذاری، امانتداری در برابر عرض، آبرو، مال، جان، خانه و محل کار مردم را، یکی از اساسی ترین و مهم ترین کارهای کارکنان این نیرو به حساب می آورند. ایشان امانتداری را یکی از عوامل ایجاد اعتماد مردم به نیرو و جزء بدیهی ترین و ابتدایی ترین ویژگی های مورد انتظار از یک عنصر انتظامی می شمارند. معظم له ضمن اشاره به مواظبت از جاده ها، مرزها، کوچه و خیابان، امنیت کسب و کار مردم، کارهای مردم، خانه های مردم در اوقات تعطیلی و در مسافرت ها، سلامت زن و بچه مردم در کوچه و خیابان که همگی گلوگاه های مهم زندگی روزمره مردم هستند و به دست نیروی انتظامی سپرده شده اند، می فرمایند: «امانت و صداقت را محور همه فعالیت های خودتان قرار دهید. امین امانت مردم باشید تا مردم احساس کنند که شما امینشان هستید.» ایشان برای ایفای چنین مسئولیت های سنگین و جلب اعتماد مردم توصیه می کنند: «پاک بمانید و سازمان را پاک نگه دارید. این خیلی مهم است. اگر سازمان شما نتواند خود را پاک نگه دارد، دیگر نخواهد توانست کاری را که بر عهده اوست، انجام دهد. در درون سازمان، با تخلف به شدت برخورد کنید.» معظم له در فزای دیگر می فرمایند: «عزیزان من! پارسایی، صلاح و پاکدامنی خود را قدر بدانید و آن را برای خودتان حفظ کنید» (همان منبع: ۲-۱۷۱، ۱۸۲، ۲۰۶، ۲۰۹، ۵-۲۱۴، ۲۴۰، ۲۳-۳۲۲). این



همه تأکید بیانگر آن است که یکی از لغزشگاه های خطرناک مسیر خدمتی کارکنان نیروی انتظامی، خیانت در امانت یا افراط و تفریط و ناپاکدامنی است. وقتی فرمانده کل قوا به عناصری از نیرو اشاره می کنند که به خاطر روح امانتداری در مقابل امتحان های سخت، سربلند بیرون می آیند، به تلویح به ما می گویند در مقابل، کسانی نیز هستند که در این امتحان های سخت، مردود می شوند و سربلند بیرون نمی آیند. رهبر معظم انقلاب برای مصون ماندن افراد از آسیب های مورد اشاره، بر خودسازی افراد تأکید دارند و خطاب به کارکنان حفاظت - اطلاعات می فرمایند: «باید خودتان را اصلاح کنید و بر خودتان سخت بگیرید. هر مقداری که نسبت به عیب دیگری چشم بینا دارید، دوبرابرش را نسبت به خودتان داشته باشید. از خطا و گناه و تخطی و لغزش خودتان به آسانی نگذردید.» ایشان در جای دیگر این ویژگی را خود پایی می نامند و می فرمایند: «یک نوع مراقبت، خود پایی است؛ یعنی مراقب خودمان باشیم. اگر چنان که خود را رها کردیم و مراقبت از خود نکردیم، خطر وجود دارد. این خود پایی و مراقبت از خود در ادبیات قرآنی و شرعی، اسمش تقواست.» البته ایشان با تیز بینی و سعه صدر خاص خود، موقعیت خطیر کارکنان نیروی انتظامی را به خوبی درک می کنند و می فرمایند: «یک آدمی که در محیط جامعه دارد راه می رود، هم در معرض فساد جنسی است، هم در معرض فساد پولی است، هم در معرض فساد قدرت نمایی و زورگویی است.» وی در ادامه متذکر می شوند:

«در دوران حکومت امیرالمؤمنین (ع) هم این جور نبود که هیچ تخلفی انجام نگیرد. بالاخره مأمور است، تخلف می کند. منتها باهاش برخورد می کنند. باز هم ممکن است تخلف انجام بگیرد؛ اما به حداقل خواهید رسید. کارها را با ائقان انجام دهید»

(همان منبع: ۱۷۲، ۱۹۱، ۲۰۶، ۳۱۰ و ۳۱۳).

۹- ساده زیستی و پرهیز از تجمل گرایی:

رهبر ساده زیست نظام، به شدت با تجمل گرایی مخالف است و خواهان آن است که این آفت در سطوح مختلف سازمان به صفر برسد. ایشان ضمن اشاره به هزینه کرد مبالغی برای

اتاق آرایی یا محل کار کارکنان نیروی انتظامی می فرمایند: «این تجمل گرایی ابعاد عظیم و عجیبی دارد، خیلی خسارت مادی و معنوی وارد می کند.» ایشان ضمن اشاره به زیان های مادی تجمل گرایی، از ابعاد دیگر آن نیز غافل نیست و می فرمایند: «خیلی ضررهای جنبی دارد که از ضررهای اول مهم تر است.» ایشان ضمن نگرستن به تجمل گرایی به عنوان یک آسیب می فرمایند: «اگر مقابله کنید، این از جمله همان مواردی است که در چشم مردم خواهد درخشید. به آراستگی و نظم و تمیزی و انضباط بدون تجمل گرایی، به معنای ولخرجی و پول خرج کردن برای ظاهر سازی، توجه کنید. واقعاً تجمل گرایی، هم سرمایه مادی و هم سرمایه معنوی را از دست می دهد» (همان منبع: ۳۱-۲۳۰).

۱۰- مؤدب و اهل تفاهم با مردم بودن:

رهبر معظم انقلاب به عنوان دیده ای تیزبین و مشرف بر همه ابعاد جامعه، توقعات مردم از نیروی انتظامی را در چند ویژگی خلاصه می کنند و می فرمایند: «مردم می خواهند نیروی انتظامی، قوی و مقتدر باشد، هوشمند و پیچیده باشد، سالم و امین باشد، سریع و به هنگام باشد، مؤدب و اهل بیان و تفاهم با مردم باشد. این انتظارات مردم از نیروی انتظامی ماست (جوادی، ۱۳۹۱: ۲۵۰).

بنابراین اگر مأمور نیروی انتظامی ضعیف باشد و مجرم قانون شکن از او پیشی بگیرد، اسراری برای حفظ نداشته باشد، بیمار و خائن باشد، دیر حرکت و سنگین باشد، بد برخورد باشد و مردم را به حساب نیاورد، مقبولیت مردمی نخواهد داشت و مردم از او حمایت نخواهند کرد. معظم له ضمن اشاره به افرادی که خوب نیستند و با مردم رفتار نادرست دارند، می فرمایند: «اینها می خواهند نیرو را با کردار خودشان آلوده کنند.» ایشان ضمن تأکید بر سالم سازی فضای درونی نیروی انتظامی می فرمایند: «عزیزان من! هر چه می توانید در سالم سازی فضای درونی نیروی انتظامی تأکید کنید، هر چه می توانید خود شما تخلفات داخلی نیروی انتظامی را بزرگ بشمارید» (همان منبع: ۱۱۴، ۱۴۰ و ۱۴۸).

بعضی از فرمایش های رهبری جنبه امری و فرمان دارند. از جمله ایشان به صراحت دستور



می دهند: «با بدی ها مقابله و برخورد نمایید» و تأکید دارند: «انسان سایش پذیر است. هر انسان دیگری جز معصومین، در برخورد ها و سایش ها و اصطکاک ها ساییده و کم می شود و برجستگی های روحیه اش تغییر می کند. باید مراقبش بود.» ایشان در فراز دیگری ضمن تأکید بر برخورد قاطع با مأموران خلافکار می فرمایند: «اگر خدای نکرده در بین این نیروی بزرگ افرادی دچار بی امانتی، بی صداقتی، و آلودگی شوند، همه این زحمات و این جمعیت زیاد و این کارهای شبانه روزی و این بی خوابی ها از بین خواهد رفت و ... نباید هیچ ملاحظه ای بکنید. باید سراغ کجی ها و کج ها، انحراف ها و منحرف ها بروید و آنها را اصلاح کنید.» ایشان خطاب به فرماندهان ناجا می فرمایند: «شماها که فرمانده هستید، باید تدابیری بیندیشید که هیچ مظلومی به خاطر نداشتن وسیله برای دفاع از خود، مورد ظلم قرار نگیرد؛ نه از سوی دیگران و نه به طریق اولی از سوی عنصر انتظامی که مأمور حفظ امنیت در حوزه مربوط به نیروی انتظامی است.» ایشان با توجه به آسیب هایی که متوجه عناصر انتظامی از باب ظلم به دیگران است، می فرمایند: «تربیت افراد و رعایت اخلاق انسانی و تقوا در میان عناصر نیروی انتظامی بسیار مهم است.» وی فرماندهان را موظف به نظارت بر عناصر زیر مجموعه برای رعایت اخلاق و جلوگیری از تخطی از حدود قانونی می دانند و می فرماید: «فرماندهان رده های مختلف در نیروی انتظامی باید توجه کنند که اگر در حوزه مأموریت آنها، حتی بدون انتساب به آنها از فردی که وابسته به نیروی انتظامی است، تخلفی صادر شود. آنها مسئول اند؛ چون باید جلوگیری می کردند، چه برسد به اینکه خدای نکرده تخلفی که افراد در نیروی انتظامی مرتکب می شوند، مستند به دستوری باشد که فرمانده ذی ربط به آنها داده. این بسیار خطرناک است.» ایشان ضمن اشاره به دوستی مردم با نیروی انتظامی و احترام به لباس آنها می فرمایند: «همه اینها نعم الهی است، اما اگر شما کار را رها کنید و آن وظایف را با استحکام لازم انجام ندهید، این گونه نمی ماند (همان منبع، ۶۸، ۱۰۳، ۱۹۰ و ۶۹-۲۶۸). همان گونه که مشاهده می شود، مقام معظم رهبری هم ویژگی های یک فرد پلیس را



یادآور می شود و هم به آسیب های اجتماعی آن ویژگی ها اشاره می کند و این اوج نظارت رهبری بر ارکان حکومت به ویژه سازمان هایی است که با مردم سروکار دارند.

۱۱- حفظ سلسله مراتب و نظم مطلوب:

ایشان در جلسه اعطای آیین نامه انضباطی نیروهای مسلح به رئیس کل نیروهای مسلح، ضمن تأکید بر چهار ویژگی لازم برای فرماندهان که شامل ایمان، مسئولیت پذیری، دلسوزی و پشتکار و خستگی ناپذیری و آگاهی از ارکان و اجزای مختلف حیطه ماموریت می شود، می فرمایند: «نظم پذیری به معنای حقیقی کلمه همان چیزی که از اوایل، دایماً به عنوان سلسله مراتب تکرار شده است، باید وجود داشته باشد.» ایشان تأکید حضرت امام خمینی (ره) بر سلسله مراتب و نظم در نیروهای مسلح را با وجودی که ایشان هیچ وقت در این نیروها حضور نداشته بودند، از جمله حکمت های این مرد حکیم و لقمان صفت می دانند و تشریح می کنند: «این، یعنی هر فرد در هر جا که قرار گرفته، نظم پذیری او این طوری باشد که به زیردست خود، از روی فرماندهی، قاطعانه فرمان بدهد و از مافوق خود فرمان پذیر باشد و آن را عمل کند و عمل به فرمان خودش را در چارچوب ضوابط از زیر دست بخواهد.» ایشان این نظم پذیری را نه تنها در داخل نیرو، که در برخورد های اجتماعی با معضلات جامعه نیز موثرتر می دانند و می فرمایند: «کارایی مطلوب هر جامعه، در حد نظم مطلوب آن جامعه است. اگر نظم نبود یا کم بود، از کارایی ها کاسته خواهد شد. نیروی انتظامی باید نظم و امنیت را طبق شرح وظایفی که قانون برایش معین کرده، در سرتاسر کشور، بخصوص در مناطق مرزی و بالاخص در برخی از مناطق که گاهی اشراری در آنجا نظم و امنیت را مورد اختلال قرار می دهند، به اثبات برساند» (همان منبع: ۷-۷۶ و ۸۵).

تأکیدات مقام معظم رهبری حکایت از آن دارد که بی نظمی، نادیده گرفتن سلسله مراتب و حتی کم توجهی به برقراری نظم اجتماعی در سطح جامعه موجب می شود ارکان جامعه به هم بریزد و هر ج و مرج بر اجتماع حاکم شود.



۱۲- وظیفه شناسی و خدمت‌گزاری مردم با رعایت قانون:

فرماندهی کل قوا ضمن اشاره به اداره نیروی انتظامی توسط عناصر مؤمن می‌فرمایند: «کاری کنید برادران عزیز که نیروی انتظامی مفسد و ناامنی را در کشور ریشه کن کند. اینها توقعات ما از نیروست که در واقع وظایف قطعی نیرو هم محسوب می‌شود». ایشان در جای دیگر می‌فرمایند: «شما کار را به عنوان یک خدمت و به عنوان یک وظیفه و آن امکان قانونی را که در اختیار شماست، به عنوان یک ابزار تقرب الی الله بنگرید و در نظر بگیرید. انسان‌های والا، آن انسان‌هایی هستند که همه آنچه را که در اختیار دارند، متعلق به خدا و وظیفه‌خداایی می‌دانند و آن را در راه وظیفه الهی، آنجایی که جای صرف آن است، بی دریغ صرف می‌کنند». ایشان نیروی انتظامی را تابلو و معرف خدمت‌گزاری مأموران همه دستگاه‌های دولت معرفی می‌کنند؛ زیرا در همه جا در کنار مردم است و مردم او را می‌بینند. به همین خاطر ایشان تأکید می‌کنند: «همه خصوصیات که در نیروی انتظامی وجود دارد، خواهی نخواهی در ذهن آحاد مردم، بر خصوصیات دستگاه مدیر کشور منطبق می‌شود». ایشان در جای دیگر می‌فرمایند: «به جای زبان، باید عمل شما با مردم حرف بزند. تعلیم ما باید با عمل باشد. همان‌طور که حضرت علی (ع) فرمود: اگر می‌خواهید دیگران را تأدیب کنید و به راه درست وا بدارید، با عمل خودتان این کار را بکنید؛ پیش از آنچه با زبان خود این کار را انجام می‌دهید. مردم خوشبختانه، هم می‌بینند و هم می‌فهمند و هم قدر شناسند». ایشان آسیب‌شناسی موارد بالا را نیز کاملاً در نظر دارند و با تمام تأکیدی که بر وجه مثبت نیروی انتظامی دارند، می‌فرمایند: «و هر وقت شنیدید و اطلاع پیدا کردید که در گوشه‌ای از کشور مثلاً یک مأمور این نیرو حسن عمل نداشته است، بدانید خلأیی به وجود آمده که نیرو باید آن را پر کند. اگر خبر دار شدید که در گوشه‌ای از کشور عنصر یا عناصری از نیرو خدای ناکرده کارایی نداشته، کم‌کاری کرده و یا حرف از رشوه و سوء رفتار است، بدانید اینها، کمبودهای ظرفیت نیروی انتظامی است که باید برای آن چاره‌ای اندیشید». رهبری ضمن تأکید بر

حفظ آبروی نیروی انتظامی در نزد مردم، خطاب به فرماندهان ناجا می فرمایند: «سعی کنید آبروی مجموعه در نزد مردم حفظ شود. هزاران نفر زحمت می کشند و تلاش می کنند و هزاران نفر گذشت می کنند، چنانچه یک نفر خطا کند، آبروی آن هزاران نفر خواهد رفت. انصافاً و حقیقتاً ظلم است.» ایشان در ادامه تأکید می کنند: «مراقب باشید که افرادی که نمی توانند امین مردم باشند و صداقت را رعایت کنند، آنها را شناسایی کنید و برخورد قانونی کنید. ملاک هم برای درست و بد عمل کردن، مرز قانون است. قانون مشخص می کند که یک نفر درست عمل می کند یا غلط» (جوادی، ۱۳۹۱: ۱۴۰، ۳-۱۷۱، ۲۲۳، ۲۳۶، ۲۶۹).

نتیجه گیری

همان گونه که در عنوان مقاله مستتر است، هدف از تدوین و نگارش این نوشته پرداختن به گوشه ای از مطالبات و توقعات رهبری از پلیس و تذکر آسیب هایی است که از دیدگاه ایشان چهره این سازمان خدمتگزار و مظهر اقتدار ملی را مخدوش می کند. بنابراین نخست خلاصه ای از مطالب و توقعات ایشان مطرح و سپس به آسیب ها اشاره می شود.

مطالبات و توقعات رهبری از پلیس:

اگر نیک بنگریم فصل الخطاب توقعات مقام معظم رهبری از پلیس، تأمین امنیت مردم در همه ابعاد و تقویت روحیه احساس امنیت برای تمام اقشار جامعه است. ایشان ترویج و توزیع مواد مخدر، مفاسد اجتماعی، زورگیری و باج خواهی، سرقت و تهاجم فرهنگی بیگانه را از عوامل ایجاد نا امنی در سطح جامعه و خانواده ها می دانند. از سوی دیگر وی قاطعیت و هوشیاری پلیس در برخورد با هنجار شکنان و هتاکان به حریم امن خانواده ها را از جمله موارد تأمین امنیت بر می شمارند. در کنار قاطعیت با مجرمان، عطوفت و محبت به مردم و تدبیر امور از دیگر عواملی هستند که موجب موفقیت پلیس در عمل به انجام وظایف می شود؛ زیرا مردم، پلیس را مظهر کاردانی نظام اسلامی و پناهگاه خود می دانند. ایمان، خداپرستی، پاسداری از احکام اسلام و حدود الهی و تقویت روح دیانت از جمله عوامل توفیق یک پلیس مسلمان است که در خدمت حکومت اسلامی است. ایشان، اقتدار



پلیس در مقابل زورگویان، عزت و پرهیز او از دل‌بستگی به پول، شهوات و تملق‌گویی افراد ویژه‌خواه و مهربانی و رحمت نسبت به همهٔ اقشار مردم را، که در خانه، جاده، محل کسب و کار و حتی در دورترین نقاط مرزی چشم‌امیدشان به پلیس است، موجب تقویت احساس امنیت مردم می‌دانند. همین روح دیانت، اقتدار و هوشمندی است که موجب بصیرت پلیس در انجام وظیفهٔ درست می‌شود و این یکی از مهم‌ترین انتظارات رهبر معظم انقلاب از افراد این سازمان است.

مقبولیت مردمی از جمله عوامل اعتماد ساز برای پلیس است؛ زیرا مردم به امید و اطمینان به پلیس خانه و مغازهٔ خود را وا می‌گذارند. سینه سپر کردن پلیس در مقابل خطرهایی که مردم را تهدید می‌کند، موجب افزایش مقبولیت و اعتماد اقشار گوناگون به پلیس می‌شود. یکی دیگر از عوامل اعتماد ساز، حفظ ارزش‌های مورد توقع و احترام مردم و گرایش و توجه پلیس به امور خیر است. مقام معظم رهبری ایمان، صداقت، شجاعت، خوش‌فکری، بی‌غرزی، بی‌طمعی، پاکدستی و پاکدامنی را از جمله عوامل حفظ صندوقچه یا گنجینهٔ پر ارزش اعتماد مردم نسبت به پلیس بر می‌شمارند. به همین دلیل ایشان احترام به حساسیت‌های مردم نسبت به شعائر اسلامی توسط پلیس را به جراحی چشم تشبیه می‌کنند که بسیار ظریف است و یک اشتباه، فاجعه به بار می‌آورد؛ خصوصاً آنکه مأموران ناجا در همه جا با مردم سروکار دارند. قاطعیت پلیس در برخورد با هنجار شکنان و قانون‌گریزان و برخورد بدون اغماض با متخلفانی که قانون اسلام و مملکت را نادیده می‌گیرند و با دست‌اندازی به اموال عمومی موجب تضعیف سرمایه‌گذاری ملی می‌شوند، یکی دیگر از مطالبات رهبری از پلیس است. ایشان انتظار دارند پلیس در چهار چوبی که قانون برای او تعیین کرده است، باید قوی عمل کند؛ زیرا هوشیاری، قاطعیت، سرعت عمل، پیگیری خستگی‌ناپذیر و نگاه یکسان به عوامل ناامنی و سلول‌های بیمار جامعه موجب نمایش اقتدار ملی نظام اسلامی توسط پلیس می‌شود که به تعبیر ایشان به درخشش خورشید می‌ماند. امانتداری از آبرو، جان، مال، خانه و محل کار مردم و صداقت و پاکدامنی توسط پلیس از جمله مطالبات رهبری

از پلیس به عنوان اسطوره خدمتگزاری است که موجب ایجاد اعتماد در مردم می شود. یکی دیگر از انتظارات معظم له از نیروی انتظامی، خود پایی یا مراقبت از خود است که در ادبیات شرعی و قرآنی تقوا نامیده می شود. ایشان ضرورت خودپایی را به خاطر آن می دانند که نیروهای انتظامی همواره در معرض فساد جنسی، پولی و قدرت نمایی و زورگویی هستند. به همین خاطر متذکر می شوند: «خودتان را اصلاح کنید و بر خودتان سخت بگیرید». ایشان ضمن تأکید بر داشتن چشم بینا نسبت به عیب های خود می فرمایند: «از خطا و گناه و تخطی و لغزش خودتان به آسانی نگذرید».

یکی دیگر از تأکیدات معظم له ساده زیستی و پرهیز از تجمل گرایی است. مؤدب و اهل تفاهم بودن، قوی و مقتدر بودن، هوشمند و پیچیده بودن، سالم و امین بودن و سریع و به هنگام بودن از جمله ویژگی هایی است که ایشان برای یک پلیس مطلوب بر می شمردند. در مقابل ایشان از مسئولان و عوامل نظارتی پلیس می خواهند که با کجی ها و انحراف ها کارکنان برخورد کنند تا ظلم و ستمی به مردم روا ندارند؛ زیرا اگر ستمی شود، آنها نیز در آن زمینه مسئول اند. فرمانده معظم کل قوا رعایت اخلاق اسلامی و تقوا را در میان کارکنان ناجا بسیار مهم می شمارند. از دیدگاه معظم له حفظ سلسله مراتب در سازمان و برقراری نظم مطلوب، از جایگاهی ویژه دارد. فرماندهی قاطعانه بر زیردستان و فرمان پذیری و اطاعت از مافوق، از خواسته های دیگر رهبری از پلیس است؛ زیرا چنین خصلتی موجب انجام بهینه مأموریت ها در همه جا از جمله در مناطق مرزی و برخورد جدی با اشرار و قاچاقچیان می شود. ایشان در یک جمع بندی کلی می فرمایند: «کاری کنید برادران عزیز که نیروی انتظامی مفاسد و ناامنی در کشور را ریشه کن کند. اینها توقعات ما از نیروست که در واقع وظایف قطعی نیرو هم محسوب می شود». ایشان خدمت به مردم در چهار چوب قانون را به عنوان ابزار تقرب به خدا بر می دانند و کار و خدمت پلیس را به منزله آیینۀ تمام نمای خدمات سایر دستگاه های دولتی بر می شمارند. به همین خاطر متذکر می شوند که افراد خائن و بد عمل و فاقد صداقت باید شناسایی و با آنان برخورد قاطع شود.



آسیب های مخدوش کننده چهره پلیس از دیدگاه مقام معظم رهبری:

معظم له معمولاً در کنار تبیین ویژگی های مطلوب یک پلیس سرافراز در نظام اسلامی، به آسیب های موجود یا آسیب هایی که ممکن است دامنگیر پلیس شود و اعتماد مردم را از او سلب نماید، اشاره می کنند. از دیدگاه ایشان بی توجهی پلیس نسبت به پیگیری و مقابله با عوامل ناامنی و اشتباه در فهم مأموریت و موقعیت خطیر پلیس، نابخشودنی است؛ به گونه ای که یک حرکت و یک حرف بی جا و یا یک رفتار خشونت آمیز، زحمات نیروی انتظامی را بر باد می دهد. سست ایمانی، کم توجهی به مبانی دینی و خصوصیات منفی موجب گریزان شدن و بی اعتمادی مردم نسبت به پلیس می شود. احساس امنیت اخلا لگران و احساس ناامنی توده مردم از جمله آسیب هایی است که باید مدنظر قرار گیرد. آلودگی به رشوه، سودجویی و مفساد اخلاقی از جمله عوامل اعتماد سوزی است که نباید به آسانی از کنار آنها گذشت. همان گونه که صفاتی مانند ایمان، صداقت و شجاعت از عوامل اعتماد ساز برای پلیس است، در مقابل ضعف ایمان، دروغ، ترسویی، بدفکری، غرض ورزی، طمعکاری و پلشتی دست و دل، از جمله عوامل و آسیب های تهدید کننده گنجینه پر ارزش اعتماد مردم به پلیس است و آن را به تاراج می دهد. بدیهی است که ویژگی های سوء پیش گفته مقبولیت مردمی پلیس را خدشه دار و به تعبیر مقام معظم رهبری این نیروی خدمتگزار را بی آبرو می کند.

ایشان ضمن تأکید بر رعایت حساسیت های دینی مردم توسط مأموران ناجا، به فرماندهان آنها متذکر می شوند که زیر مجموعه آنها افراد صالحی باشند. با توجه به حضور پلیس در خانه های مردم برای دستگیری متهم یا بازرسی منزل، حضور در محل کار یا محل تردد آنها و در یک کلمه حضور در همه جایی که با بدنه اجتماع سروکار دارند، اندک کجی و نارسایی درکار آنها، نمود بیرونی دارد. معظم له متذکر می شوند که اگر پلیس با کج خلقی، بد اخلاقی، تکبر و نخوت و چهره عبوس با هنجار شکنان برخورد کند، هنر نیست. هنر آن است که با خوش اخلاقی و مهربانی، اما با قاطعیت



عمل کند. ایشان غفلت، تردید و تزلزل در اقدام را از جمله آسیب های متوجه پلیس بر می شمارند. از دیدگاه ایشان ناهوشیاری پلیس، اولین مصیبت برای پلیس است و در صورتی که با تردید و تزلزل همراه شود، عامل ترویج نا امنی است؛ زیرا رخنه تزلزل در دستگاهی که مسئول امنیت است، بزرگ ترین مشوق برای عوامل نا امنی است.

مقام معظم رهبری خیانت، آلوده دامنی و نفاق را از عوامل سقوط نیروی انتظامی و سلب اعتماد مردم به پلیس بر می شمارند و خطاب به افراد پلیس می فرمایند: «اگر سازمان شما نتواند خود را پاک نگه دارد، دیگر نخواهد توانست کاری را که بر عهده اوست، انجام دهد. در درون سازمان با تخلف به شدت برخورد کنید.» ایشان آلودگی به فساد جنسی، فساد پولی و فساد قدرت نمایی و زورگویی را از آسیب هایی می دانند که کارکنان پلیس در معرض آن قرار دارند و متذکر می شوند که اگر چه حتی در زمان حکومت علی (ع) نیز تخلف وجود داشت، ولی با آن برخورد می شد. ایشان تجمل گرایی را از آسیب های تهدید کننده نیروی انتظامی می دانند و تأکید دارند که باید تلاش شود تا این آفت در سطوح مختلف به صفر برسد؛ زیرا تجمل گرایی علاوه بر زیان های مادی، زیان های معنوی نیز دارد و درخشش پلیس در چشم مردم را از بین می برد. ضعف در مقابل قانون شکنان و مجرمان، افشای اسرار سازمانی، خیانت، دیر حرکتی و سنگینی، بد برخوردی و مردم را به هیچ انگاشتن از جمله آسیب های ضربه زننده به پلیس است که معظم له خواهان برخورد و مقابله قاطع با افراد دارای چنین صفاتی و پاکسازی نیروی انتظامی از وجود آنهاست. ایشان تأکید دارند: «با بدی ها مقابله و برخورد نمایید؛ زیرا از دید ایشان انسان های غیر معصوم سایش پذیرند و باید مواظب آنها بود. ایشان بی توجهی به سلسله مراتب، خصوصاً در مرز و سستی برخورد با اشرار و قاچاقچیان را از جمله عوامل اخلال در کار پلیس برمی شمارند. نداشتن حسن عمل، فقدان کارایی، کم کاری، رشوه و سوء رفتار از جمله خلأهای موجود در ناجاست که به تعبیر مقام معظم رهبری موجب بی آبرویی مجموعه نزد مردم می شود و خطای یک



نفر در این زمینه، موجب از دست رفتن زحمات هزاران نفر از افراد خدمتگزار پلیس می‌گردد. همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، منبع اصلی استخراج مطالب این مقاله، مجموعه بیانات فرماندهی معظم کل قوا در دیدار مسئولان، فرماندهان و کارکنان نیروی انتظامی، عقیدتی سیاسی و حفاظت اطلاعات نیرو در مقاطع مختلف است که توسط معاونت سیاسی سازمان عقیدتی-سیاسی نیروی انتظامی در سال ۱۳۹۱ و با عنوان «نیروی انتظامی مظهر اقتدار ملی» چاپ و منتشر شده است.

البته کار جدید دیگری با عنوان «قاموس امنیت» از سوی همان معاونت در تابستان ۱۳۹۳ منتشر که به صورت موضوعی تدوین شده است. دکتر میر عظیم قوام (از اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین) نیز در سال ۱۳۹۲ کتابی با عنوان «رفتار پلیس مسلمان» توسط معاونت تربیت و آموزش نیروی انتظامی منتشر کرد که در آن به بررسی ۳۲ ویژگی لازم برای پلیس مسلمان پرداخته است. یقیناً بخش‌هایی از مطالب دو اثر پیش گفته با مطالب این مقاله همپوشانی دارد. آقای قوام، علاوه بر مراجعه به آیات و روایات به گفتارهای حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری نیز اشاره کرده است.

با توجه به اینکه حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای از آغاز تشکیل نیروی انتظامی چگونگی فعالیت‌ها و خدمات این نیرو را رصد کرده و زیر نظر داشته‌اند، بیش از هر کس دیگر صالح به اظهار نظر در زمینه پلیس ایران اسلامی است. بنابراین پیشنهاد می‌شود منشور اخلاقی و تربیتی پلیس ایران مطابق دیدگاه‌های ایشان و در قالب دو واحد درسی برای مقاطع آموزشی دوره‌های پلیسی اعم از درجه داری و افسری در نظر گرفته و تدریس شود

منابع و مأخذ

- ۱- رفیعی، حسن رضا (۱۳۸۰)؛ امور انتظامی در نظام حسیبه اسلامی؛ تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
- ۲- غیائی، حامد (۱۳۹۳)؛ قاموس امنیت؛ تهران: معاونت سیاسی سازمان عقیدتی-سیاسی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.
- ۳- قوام، میرعظیم (۱۳۹۲)؛ رفتار پلیس مسلمان؛ تهران: معاونت تربیت و آموزش ناجا.
- ۴- جاویدی، مجتبی (۱۳۹۱)؛ نیروی انتظامی مظهر اقتدار ملی؛ تهران: معاونت سیاسی سازمان-عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.